

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات ۱۴۸ - ۱۲۷

مراتب مرجعیت معرفتی حضرت فاطمه علیها السلام در نظر اهل بیت علیهم السلام، شیعه و اهل سنت

نرجس رودگر^۱

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی سطوح مرجعیت معرفتی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیهاست. حضرت زهرا (س) به دلیل برخورداری از شأن ولایت و عصمت، بسان نردبان ذومدارجی که به عرش الهی متصل است، مقیمان درجات مختلف وجودی را از زلال علمی خویش به حسب درجه و رتبه‌ای که دارند، بهره‌مند می‌نماید. این بهره‌مندی از ادنی مرتبه معرفتی آغاز گردیده و تا اعلی مراتب ادامه می‌یابد، به نحوی که اولیای خاص الهی و ائمه معصومین (ع) را نیز، از خوان معرفت خود بهره‌مند می‌سازد. پژوهش حاضر، با این فرضیه، به کشف و تحلیل سطوح مختلف مرجعیت معرفتی حضرت صدیقه طاهره پرداخته و با تمسک به آیات و روایات و استناد به سیره و منقولات تاریخی و هم‌چنین تفاسیر اهل سنت و شیعه و تحلیل‌های اسلام‌شناسان اعم از شیعه و سنی، درصدد پاسخ‌گویی به این سوال است که: مرجعیت معرفتی حضرت فاطمه زهرا (س) در جهان اسلام دارای چه سطوح و مراتبی بوده و این مرجعیت معرفتی در سطوح مختلف چگونه تحلیل می‌شود؟ بر این اساس این مرجعیت در سه سطح ۱. جامعه مسلمین ۲. شیعه ۳. اهل بیت علیهم السلام، با روش تحقیق کیفی طبقه‌بندی و مورد تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

مرجعیت معرفتی، حضرت زهرا(س)، شیعه، اهل سنت، اهل بیت (ع).

۱. استادیار و مدیر گروه فلسفه و عرفان اسلامی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

طرح مسأله

مرجعیت علمی و معرفتی صدیقه طاهره در جهان اسلام را، از ابعاد مختلف می‌توان مورد بررسی قرار داد. یک نوع دسته‌بندی براساس مخاطب، و تقسیم مخاطبان به ۱. تمام مسلمین، ۲. شیعیان و ۳. اهل بیت (ع) است. براساس متون و نصوص روایی و تاریخی وارده، این نتیجه به دست می‌آید که حضرت فاطمه زهرا(س) به سه گونه متفاوت، که شاید بتوان آن‌را به حسب شدت و ضعف و عمق درجه‌بندی نمود، دارای انواعی از مرجعیت معرفتی برای سطوح مختلف جامعه مسلمین هستند.

مقام علمی حضرت زهراء، به طور عام، کمابیش مورد عنایت محققان شیعه و اهل سنت قرار گرفته است. کتاب‌ها و منابعی که در بیان فضایل ایشان نگاشته شده، معمولاً از بُعد علمی حضرت غافل نبوده‌اند. در این کتاب‌ها، معمولاً احادیثی که به طور مستقیم ناظر به جایگاه علمی حضرت بوده و از زبان پیامبر یا اهل بیت علیهم‌السلام نقل شده‌اند، تحت عنوان فضائل حضرت ذکر شده است. لیکن این نقل احادیث؛ اولاً، اغلب بدون نظم و چینش خاص و خالی از هرگونه ترتیبی صورت گرفته است. ثانیاً، هر چند گاهی در مورد برخی تعابیری که در مورد فضایل آن بانوی جلیل‌القدر در لسان روایات ذکر شده، تفسیرها و تحلیل‌هایی صورت گرفته، اما بسیاری از این بیانات نقل صرف بوده و مورد تحلیل و بازشکافی قرارنگرفته است و یا تحلیل‌هایی که صورت گرفته، ناظر به مقام معرفتی حضرت نبوده است. فلذا این بُعد در تحلیل‌ها آن‌طور که باید، مورد پردازش واقع نشده است.

از این قبیل است کتاب «شمه‌ای از فضائل و سیره علمی حضرت زهرا(س)» نوشته سید هاشم رسولی محلاتی، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۹۶۳۱ ش. در چاپ اول این مجموعه ۵۳۷ کتاب چاپی و خطی مستقل درباره حضرت زهرا(س) ذکر شده که به زبانهای فارسی، عربی، اردو، گجراتی، ترکی آذری و استانبولی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، روسی، اسپانیایی، ایتالیایی، سواحلی، هوسایی و سومالیایی است و تصاویر جلدهای کتب موجود نیز در کنار آنها آمده است".

و یا مقاله دکتر نهله غروی نائینی، با عنوان «جایگاه حضرت فاطمه در منابع اهل تسنن

مجله: مطالعات راهبردی زنان « زمستان ۱۳۸۷ - شماره ۴۲ علمی-پژوهشی/ISC/ (۲۱) صفحه - از ۱۸۲ تا ۲۰۲)، همچنین مقاله «حوزه های معرفتی حضرت زهرا نسبت به قرآن، نویسنده: اخوان مقدم، زهره؛ مجله: سفینه» پاییز ۱۳۹۷ - شماره ۶۰ علمی-ترویجی/ISC (۱۴) صفحه - از ۵۸ تا ۷۱) که در هر یک از این آثار تنها به بعد خاصی از مقام علمی ایشان اشاره شده است.

این در حالی است که مطالعه و تأمل در نصوص ناظر به فضائل ایشان یا فرازهای تاریخی مربوط به آن، نشانگر حقیقت عمیق تری از مقام علمی حضرت و بالتبع، مرجعیت معرفتی ایشان در سطوح مختلف است. مرجعیت معرفتی حضرت زهرا اختصاص به جامعه شیعه نداشته، بلکه منابع اهل سنت نیز دارای شواهد متعددی مبنی بر مقام علمی حضرت و استفاده جامعه مسلمین از این منبع عظیم علمی و معرفتی است. هر چند نوع و سطح مرجعیت معرفتی حضرت در جامعه شیعه و اهل سنت، به وزان اعتقاد به جایگاه حضرت در دو بستر خلقت و هدایت، متدرج و مشکک است، لیکن بهره برداری معرفتی جامعه شیعه از این ذخیر علمی نیز در یک سطح و به نحو متواپی نیست. در دایره المعارف ناب شیعی، از آن جا که شجره طوبای وجود حضرت، پا در خاک و سر در افلاک دارد، بسان نردبان ذومدارجی که به عرش الهی متصل است، مقیمان درجات مختلف وجودی را از زلال علمی خویش به حسب درجه و رتبه ای که دارند، بهره مند می نماید. مسأله ای که از نصوص مختلف قابل برداشت بوده و این تحقیق در صدد کشف، تحلیل و بازنمایی این بهره مندی است، که از ادنی مرتبه معرفتی آغاز گردیده و تا اعلی مراتب ادامه می یابد، به نحوی که اولیای خاص الهی و ائمه معصومین (ع) را نیز، از خوان معرفت خود بهره مند می سازد.

پژوهش حاضر، با این فرضیه، به کشف و تحلیل سطوح مختلف مرجعیت معرفتی حضرت صدیقه طاهره پرداخته و با تمسک به آیات و روایات و استناد به سیره و منقولات تاریخی و هم چنین تفاسیر اهل سنت و شیعه و تحلیل های اسلام شناسان اعم از شیعه و سنی، در صدد پاسخ گویی به این سوال است که: مرجعیت معرفتی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در جهان اسلام دارای چه سطوح و مراتبی بوده و این مرجعیت معرفتی در سطوح مختلف چگونه تحلیل می شود؟

در راستای پاسخ‌گویی به سوال فوق، مرجعیت آن حضرت در سه سطح مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. مرجعیت معرفتی حضرت زهرا در جهان اسلام؛

۲. مرجعیت معرفتی حضرت از منظر شیعه؛

۳. مرجعیت معرفتی حضرت از منظر اهل‌بیت(ع)

حکماء علم را حقیقتی، ذومراتب و مشکک می‌دانند که بر مصادیقش به صورت ذومراتب و با شدت و ضعف، قابل حمل است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۲۳) بنابر قاعده فلسفی اتحاد علم و عالم و معلوم، عالم نیز حقیقتی ذومراتب است. (همان: ۲۹۸-۲۹۹) به این معنا که افراد مختلف، بهره‌های مختلفی از علم می‌توانند داشته باشند؛ هر قدر رتبه علمی فرد بالاتر باشد، بهره‌مندی مخاطبان از علم عالم بیشتر خواهد بود.

منظور از مرجعیت علمی یا معرفتی، بهره‌رسانی علمی عالم به جامعه و افراد مخاطب است. هر اندازه درجه علمی عالم بالاتر و شدتش بیشتر باشد، مرجعیت معرفتی او نیز به فراخور مخاطبان، ذوسطوح و ذودرجات خواهد بود.

مدعای این مقاله مبنی بر ذومراتب بودن مرجعیت حضرت زهرا(س) مبتنی بر پیش-فرض‌هایی است که ریشه در منظومه فلسفی، عرفانی، کلامی و به خصوص روایی و قرآنی، در باب جایگاه وجودی حضرت زهرا(س) در نظام آفرینش است. از این مبانی در تحلیل نصوص روایی فریقین استفاده می‌شود.

۱. مرجعیت علمی حضرت فاطمه برای جامعه مسلمین

اولین سطح مرجعیت معرفتی حضرت صدیقه طاهره که فراگیرترین سطح نیز هست، بهره‌مندی جامعه مسلمین از حضرت، اعم از معاصران حضرت و اخلاف ایشان است. مشخص است که این گروه از مخاطبین، وسیع‌ترین عده را تشکیل داده و شامل تقسیم‌بندی‌های متأخر از عصر نص، شامل شیعه و سنی با تمام مذاهب و فرق مسلمان است. از آن‌جا که جامعه مخاطب شیعه در سطح دوم مورد بررسی قرار می‌گیرد و با توجه به مشترک بودن بسیاری از محورهای مطرح در خصوص مرجعیت حضرت، در جامعه اهل سنت و شیعه، در این بخش تمرکز بیشتر بر منابع اهل سنت قرار گرفته است.

کدهای اصطیاد شده در مرجعیت معرفتی حضرت زهرا در منابع اهل سنت بدین شرح است:

۱. فاطمه (س) محور اصحاب کساء است. بسیاری از بزرگان تفسیری اهل سنت چون ثعالبی و قرطبی و... بر اهل بیت بودن اصحاب کساء ادعای اجماع و اتفاق نموده‌اند. منظور از اهل بیت اصحاب کساءست که محور آن حضرت زهراست؛ الثعالبی، ۱۴۱۸: ۴/۳۴۶؛ القرطبی، بی تا: ۱۴/۱۸۳؛ الاندلسی، ۱۴۱۳: ۷/۲۴۴.

۲. فاطمه (س) مصداق آیه تطهیر است. ابن عباس، انس بن مالک و دیگر صحابی معروف ابوسعید خدری از شاهدان عینی هستند که نقل می‌کنند تا مدت‌ها (هفده ماه، هشت ماه، چهل روز و...) وقتی پیامبر برای نماز خارج می‌شد درب خانه فاطمه و علی می‌ایستاد و پس از سلام و رحمت، آن‌ها را اهل بیت خطاب و آیه تطهیر را تلاوت می‌نمود. صدوق، ۱۴۱۷: ۲۰۸؛ ابن حنبل، بی تا: ۳/۲۵۹ و ۲۸۵؛ متقی هندی، ۱۳۱۴۰۹: ۶۴۶؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲/۱۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲: ۳/۴۹۲؛ العاملی الشامی، بی تا: ۴۶۰.

۳. فاطمه (س) افضل زنان است. ابن الجکنی عالم اهل سنت می‌گوید بنابر روایت صحیح‌تر، فاطمه از همه زنان افضل است. السهیلی، بی تا: ۱/۲۷۹. گرچه این درجه از افضلیت ادنی درجه نسبت به چیزی است که در سایر روایات آمده است لیکن از آنجا که فضلی نیست مگر به علم، بنابراین هر درجه از فضل، اثبات مرجعیت علمی را نیز به دنبال دارد.

۴. خلقت نوری فاطمه (س) بر همه عالم مقدم است. ابن حجر عسقلانی با واسطه از پیامبر اکرم نقل می‌کند وقتی آدم و حوا در بهشت بودند، نور حضرت زهرا را دیدند. به آن‌ها گفته شد نور ایشان دو هزار سال قبل از خلقت‌شان آفریده شده است. عسقلانی، بی تا: ۳/۳۴۵. در روایات موجود در منابع اهل سنت، نور آل عبا از جمله حضرت زهرا قبل از خلقت آدم و حوا خلق شده است. گرچه تحلیل فلسفی این روایات به صورت بارز، بیشتر در اندیشه شیعی مردود است، اما در برخی منابع معرفتی اهل سنت از جمله منابع حوزه عرفان و تصوف، این تقدم خلقی تفسیر شده است. در منابع مذکور، تقدم خلقی، همان تقدم رتبی و علی است که جایگاه نور حضرات را در وصول فیض وجود به هستی بیان

می‌دارد. طبق اصول فلسفی، وجود منبع و اصل خیر است که همه کمالات وجودیه در صدر آن‌ها علم، از رشحات اوست. بنابراین، تقدم وجودی حضرت به معنای تقدم علمی اوست که عبارت دیگری از مرجعیت معرفتی حضرت برای سایرین است.

۵. در منابع اهل سنت، حضرت زهرا افضل زنان گذشته و آینده معرفی شده است. آلوسی می‌گوید در حدیث آمده است فاطمه افضل زنان مقدم و موخر است. بنابراین، او بر همه زنان از جمله عایشه برتری داشته است، چون او روح و روان پیامبر بوده است. آلوسی، بی تا: ۳/ ۱۳۸ ملاک فضل در نظام معرفتی اسلام، علم و تقوی است که تقوی نیز طبق آیات قرآن، مجرای علم حقیقی است. بنابراین، آن روی سکه فضیلت، مقام علمی و مرجعیت معرفتی حضرت است.

۶. حضرت فاطمه بضعه پیامبر است. حلی، ۱۴۲۴: ۱۹۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۹/۲۱؛ ابن حنبل، بی تا: ۴/ ۵؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱۲/ ۱۰۶؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۳/ ۱۵۶. در روایات متعدد راویان اهل سنت، حضرت زهرا را بنا به فرمایش پیامبر بضعه رسول خدا قلمداد نموده‌اند. سهیلی بعد از نقل حدیث معروف «فاطمه بضعه منی» می‌گوید من کسی را مساوی بضعه رسول‌الله نمی‌دانم. السهیلی، بی تا: ۱/ ۲۷۹. ترجمه بضعه به پاره تن، ترجمه صحیحی نیست. بضعه به معنای پاره وجود است. وجود پیامبر اکرم منبع علم لدنی و معارف وحیانی و اصیل‌ترین مرجع معرفتی امت اسلام است. حضرت زهرا اطهر بضعه چنین منبع معرفتی هستند

۷. حضرت زهرا مصداق آیه تطهیر است. براساس روایات بسیار از فریقین، آیه تطهیر در شأن اصحاب کساء نازل شده است و فاطمه سلام‌الله‌علیها محور آن است. ابن کثیر، ۱۴۱۲: ۳/ ۴۹۴؛ طبری، ۱۴۱۵: ۲۲/ ۹؛ الثعلبی، ۱۴۱۸: ۸/ ۴۱؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲/ ۱۳۶. در نظام معرفتی اسلام، علم حقیقی مجرد و مطهر است که نصیب قلوب و نفوس مطهر از تعلقات مادی و قساوت‌های گناهان است. بنابراین، قلب حضرت صدیقه طاهره، ظرف علوم و معارف است که مرجع معرفتی معرفی می‌شود.

۸. فاطمه (س) صاحب مقام شفاعت است. مفسران اهل سنت ذیل آیه «ولسوف یعطیک ربک فترضی» روایاتی نقل کرده‌اند که بیان می‌دارد، شأن نزول این آیه حضرت

زهراست. سیوطی، ۱۴۱۱، ۸/۵۴۳. در روایات فریقین مقام شفاعت گنجه کاران امت، به حضرت زهرا داده شده است و این همان عطایی است که خدا به پیامبرش در آیه «ولسوف یعطیک ربک فترضی» وعده داده بود. موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۱۰/۵۲۶.

۹. فاطمه (س) خیر کثیر است. ابن ابی الحدید روایتی را نقل می کند که بیان می دارد: حضرت زهرا همان کوثری است که خداوند به پیامبر عطا نموده (ضحی / ۱۵) و به سبب وجود مبارکش نسل پیامبر ادامه می یابد. موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۱۰/۵۲۶. حقیقت این خیر کثیر نمی تواند امری مادی باشد، بلکه مسلماً امری روحانی است که در صدر آن علم و معرفت است.

۱۰. طبق روایات کتب اهل سنت و فریقین، محبت اهل بیت علیهم السلام از جمله فاطمه (س) اجر رسالت است. الدرر، ۱۹۹۹: ۱۳/۲۱. حکمت این امر آن است که امت به واسطه محبت ایشان با سبک زندگی و معارف اهل بیت آشنا شده و بدان خو گیرند. بنابراین، سرّ این مسأله، مرجعیت معرفتی اهل بیت از جمله حضرت فاطمه سلام الله علیها است.

۱۱. فاطمه (س) مصداق صادقین است. ذیل آیه «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقین»، (توبه / ۱۱۹) حسکانی از عکرمه نقل می کند که: منظور از صادقین پیامبر، علی، فاطمه و حسنین (ع) هستند. الثعلبی، ۱۴۲۲: ۵/۱۰۹ صدیقه به معنای راست گفتار و راست کردار است. راست گفتاری و راست کرداری، مناط و ملاک حجیت و مرجعیت معرفتی است؛ به این شکل که گفتار و رفتار فرد صدیق، مرجع معرفت بخش محسوب می شود. بنابراین، گفتار و رفتار صدیقه طاهره، مرجع معرفتی اهل سنت است.

۱۲. فاطمه (س) محور جریان مباحله است. محوریت حضرت زهرا در مباحله به عنوان جریان معرفتی مورد اتفاق اهل سنت است. مباحله جریانی است که هویت معرفت بخشی آن در اهل سنت و شیعه مشترک است و بیان گر حقانیت اسلام بر نصرانیت است. از آن جا که این رویداد صبغه معرفتی دارد، تک تک عناصر آن نیز به عنوان مرجع معرفتی محسوب می شود. نقش محوری حضرت زهرا در این جریان حاکی از مرجعیت معرفتی ایشان برای عموم مسلمین است.

۱۳. حضرت فاطمه (س) وسیله الی الله است. ذیل آیه «وابتغوا الیه الوسیله» (مؤمنون/ ۱۱) حسکانی از عکرمه نقل می‌کند که منظور از وسیله پیامبر، علی، فاطمه و حسنین (ع) هستند. حسکانی، ۱۴۱۱، ۱/ ۳۲۴. مفسران اهل سنت ذیل آیه «وابتغوا الیه الوسیله»، پنج تن آل عبا از جمله حضرت زهرا را مصداق وسیله معرفی نموده‌اند. منظور از وسیله، چیزی است که ارتباط و دسترسی را تسهیل می‌نماید. ارتباط و دسترسی در امور غیرمادی، از سنخ معرفت است. پس حضرت فاطمه، وسیله معرفت حق و معارف حقه و به عبارت دیگر مرجع معرفتی هستند.

۱۴. فاطمه (س) راوی احادیث نبوی است. هر چند تعداد روایات منقول از حضرت زهرا در کتب اهل سنت، با توجه به قرابت نسبی و زمانی و مکانی ایشان با پیامبر، به هیچ وجه معقول نیست بلکه نشان‌گر فتنه‌ها و بلاهایی است که سبب محرومیت امت اسلام از این روایات شده است، لیکن احادیثی در ابواب مختلف از حضرتش نقل شده است که این امر، پرتوی از اضواء خورشید مرجعیت معرفتی ایشان را تشکیل می‌دهد. (ر. ک غروی - نائینی، ۱۳۸۴: ۲۰۰-۱۸۹)

۱۵. فاطمه (س) خطیب الهی است. مفاد خطبه‌هایی که در کتب اهل سنت، علاوه بر منابع شیعی، از حضرت نقل شده است، لبریز از معارف حکمی و قرآنی دقیق و عالیه در مورد هستی‌شناسی، خداشناسی، جهان‌شناسی و معاد، نبی‌شناسی و امام‌شناسی است. (فتاحی زاده، ۱۳۹۳: ۲۴-۱۱)

۱۶. فاطمه (س) مأنوس قرآن و وحی است. طبق اخبار سیره و حدیث در منابع اهل سنت، گفتار حضرت همواره مزین و مبرهن به آیات قرآنی بوده است که این نشان‌گر بهره وافر ایشان از وحی و علوم قرآنی است و نشان‌گر بُعدی دیگر از ابعاد مرجعیت معرفتی حضرت است که در آثار رسیده از ایشان به دست می‌آید. (عظیمی، ۱۳۸۲: ۳۵-۲۷)

۲. مرجعیت علمی حضرت فاطمه برای شیعه

نحوه اقتدای شیعه به ائمه اطهار و تفاوتی که در این خصوص با سایر مذاهب اسلامی دارند، ناشی از تفاوت در مبانی اعتقادی و جایگاهی است که شیعه برای اهل بیت و در رأس آن حضرت زهرا در نظام تکوین و تشریح قائلند. «ولایت» و «امامت» دو کلید واژه

معرفتی شیعه در مورد مقام وجودی و معرفتی معصومین (ع) است.

علاوه بر فضایل عالی که در منابع اهل سنت ذکر شده است، مقامات و فضایل متعالی دیگری در منظومه فکری شیعه برای حضرت زهرا (س) عنوان شده است. پاره‌ای از این فضایل، در منابع اهل سنت نظیر داشته و با تحلیل متفاوت شیعیان، همراه است؛ برخی دیگر نیز به منظومه معرفتی شیعه اختصاص دارد.

امامت در نگرش شیعه، تداوم راه نبوت در دوران خاتمیت و در نگاه اهل سنت، صرفاً یک تئوری حکومت است. از نظر هر دو گروه، پس از رحلت پیامبر، وحی رسالی - نه وحی به معنای الهام و تحدیث - برای همیشه قطع گردید و هیچ کس نمی‌تواند عهده‌دار چنین مقامی گردد. اما از نظر شیعه، مقام مرجعیت علمی و اجتماعی سیاسی، پس از رسول خدا هم‌چنان بر عهده کسی است که خدا او را برای این مناصب، تعیین کرده است؛ چنین کسی هم‌چون پیامبر گفتار و رفتارش عین دین و صواب است و بر همگان حجت می‌باشد. بنابراین، او مرجع دینی و معرفتی و علمی مردم است.

همچنین از منظر عرفان شیعی «ولایت»، مجرای «الوهیت» خداوند متعال در عالم است. مقام الوهیت خدای متعال مقام غیب‌الغیوبی است، که از همه مخلوقات محجوب است و هیچ موجودی مستقیماً به آن راه ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۶۶۱-۶۶۲) این مقام و مرتبه الهی، با کمک «ولایت» او بر خلائق تجلی پیدا می‌کند. ولایت، تنزل شأنی از خداوند است، که همه خلائق را در بر می‌گیرد و به شکل تکوینی «ربوبیت» حضرت حق را محقق می‌سازد. ولایت خداوند با کمک خلفای الهی تحقق پیدا می‌کند. خدای متعال، در تکوین و تشریح، خلفایی برگزیده، و ولایت آن‌ها را طریق ولایت خود قرار داده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۲۷-۱۲۹) مشیت بالغه او بر این امر تعلق گرفته است که این جریان ولایت با کمک ائمه اطهار علیهم السلام محقق شود (کلینی، ۱۳۶۳: ۱/ ۱۸۴) ولایت الله، نخست در ولایت نبی الله (ص) تجلی پیدا کرده، و سپس در ولایت ائمه اطهار (ع) جاری و ساری می‌شود.

مرجعیت علمی از لوازم ولایت است و ائمه اطهار به سبب مقام ولایت، صاحبان علم الهی هستند. تعبیری چون خزّان العلم، مهبط الوحی و... که در وصف ائمه معصومین

علیهم السلام وارد شده است گواه این مطلب است. در نتیجه ولایت، دال بر عالی‌ترین مقام علمی است و هر کس از این مقام برخوردار است، دارای مرجعیت علمی ذومراتب بسته به سطوح مختلف مخاطبان است.

کدهای اصطیاد شده در مرجعیت معرفتی حضرت زهرا (س) در منظومه فکری شیعه از این قرار است:

۱. طبق منابع حدیثی شیعه، وجود نوری پنج تن آل عبا از جمله حضرت زهرا (س) هفتاد هزار سال قبل از خلقت دنیا در عرش مشغول تسبیح بوده است. صدوق، ۱۳۸۵: ۱/۲۰۸-۲۰۹ طبق اصول فلسفه اسلامی، مراتب وجودی مقدم در سلسله طولی وجود، علت مراتب ما تأخر هستند. از سوی دیگر علت، مفیض تمام کمالات معلول است که در صدر این کمالات علم است. بنابراین وجود حضرت زهرا افاضه‌بخش عالی‌ترین معارف به نفوس مستعدان است.

۲. طبق روایات شیعی سایر اهل بیت علیهم السلام از نور حضرت علی و زهرا علیهما السلام ایجاد شده‌اند. مجلسی، ۱۴۰۳: ۶/۲۵. این روایت طبق توضیح گذشته نشان دهنده مرجعیت معرفتی حضرت، نه تنها برای جوامع انسانی، بلکه ائمه معصومین ع می‌باشد.

۳. طبق روایات شیعی، نور فاطمه علت فتق عالم ماده و منشأ کثرات مادی است. بحرانی، ۱۴۱۴: ۳/۲۳۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۵/۱۰. حضرت زهرا تفصیل‌بخش کمالات اندماجی در حقیقت محمدیه و مظهر اسم فاطر هستند، به معنای شکافنده که در قوس نزول، شکننده وحدت و مظهر کثرات هستند. در نتیجه کثرات خلقی، به واسطه وجود حضرت، به ظهور رسیده‌اند.

۴. روایات فوق، فاطمه را فاطر و شکافنده معرفی می‌کند. (همان) فاطر از اسماء الهی، به معنای شکافنده است. عرفا طبق روایت نبوی حضرت فاطمه را مظهر اسم فاطر الهی می‌دانند. به این معنا که حقیقت وجودی حضرت باعث شد اعیان ثابته به تجلی آسمانی ظهور کند. در نتیجه اگر فاطمه (س) نباشد هیچ وجودی از قوه به فعل نمی‌رسد.

۵. حضرت فاطمه (س) گرچه نبی یا رسول و امام نیست، اما دارای مقام ولایت

است. حسن زاده آملی، ۱۳۷۸: ۵۰. از شؤونات ولایت، علم و مرجعیت معرفتی است. بنابراین به سبب ولایت حضرت، مرجعیت حضرت نیز اثبات می‌شود. ولایت حضرت زهرا با تعریف عرفانی و کلامی آن توسط علمای شیعه، با تمسک به آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام، اثبات می‌شود. آیات مباهله (آل عمران/ ۶۱)، تطهیر (احزاب/ ۲۳)، توبه آدم (بقره/ ۳۷)، ابتلای ابراهیم (بقره/ ۱۳۴)، اجر رسالت (شوری/ ۲۳)، امانت (احزاب/ ۷۲) و دهر (هل ائی/ ۸-۹) همگی از این دست آیات-اند.

روایت دال بر ولایت حضرت دو دسته‌اند. روایاتی که ولایت را برای ائمه معصومین علیهم السلام به طور کلی اثبات می‌نماید. دسته دیگر، روایاتی که ولایت را برای شخص حضرت اثبات می‌نماید. روایات دسته اول را می‌توان ذیل محورهای زیر طبقه‌بندی کرد: بیان ولایت تکوینی اهل بیت، بیان ولایت باطنی و نقش هدایت‌گری اهل بیت، بهره‌مندی اهل بیت از علم غیب و لدنی و مقام تحدیث، اشتراک اهل بیت در مقامات مذکور به جهت وحدت مبدأ و منشأ.

مناقب اختصاصی حضرت را می‌توان ذیل محورهای زیر طبقه‌بندی نمود، که اکثر این مناقب با سایر پنج تن آل عبا مشترک‌اند: آفرینش حضرت از نور عظمت حق (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۴۸؛ الخزاز قمی، ۱۴۰۱: ۷۲-۷۲؛ نعمانی، ۱۴۲۲: ۹۵؛ صدوق، ۱۴۰۳: ۱۸۸)، سببیت حضرت در آفرینش، تسمیه از جانب حق تعالی (صدوق، ۱۳۸۵: ۱/ ۱۷۹)، اشتقاق نام حضرت از اسامی الله تعالی، مقام هدایت‌گری ظاهری و باطنی مشترک با سایر پنج تن (صدوق، ۱۳۷۹: ۱۱۴؛ حلی، ۱۴۲۴: ۲۴۴؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۱/ ۷۷؛ عاملی شامی، بی تا: ۷۹۱)

هم چنین از دیگر مناقب حضرت به این موارد اشاره شده است: مقام رکنیت حضرت به امیر مومنان (اربلی، ۱۴۰۵: ۱/ ۶۶؛ صدوق، ۱۳۷۹: ۴۰۳؛ نيسابوری، بی تا: ۱۵۲-۱۵۳؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۴/ ۱۶۶)، اشتراک در صدق آیه تطهیر (طبری، ۱۴۱۵: ۲۲/ ۹-۱۳؛ ابن-کثیر، ۱۴۱۲: ۳/ ۴۹۴؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲/ ۱۳۶)، محدثه بودن (صدوق، ۱۳۸۵: ۱/ ۱۸۲؛ طبری امامی، ۱۴۱۳: ۸۱)، وجوب محبت حضرت به عنوان اجر رسالت (شوری/ ۲۳)،

وسيله بودن برای بهشت و حضور در قبه عرش مشترکاً با سایر پنج تن. (متقی‌هندی، ۱۴۰۹: ۱۲/۹۸ و ۱۰۳ و ۱۳/۶۳۹)

۶. طبق روایت نبوی فاطمه (س) خیر اهل زمین است و بر آنان شرافت و کرامت دارد ابن شاذان، ۱۴۰۷: ۱۳۶. اهم مناطات شرافت و کرامت، علم و معرفت است. بنابراین، روایت شریفه دلالت بر اولویت و مرجعیت معرفتی حضرت بر اهل ارض دارد

۷. فاطمه (س) بضعه الرسول است. این امر گرچه در روایات اهل سنت نیز نقل شده است اما با توجه به بستر معرفتی متفاوت شیعه، معنای متفاوت می‌یابد. تفسیر فروگاهانه بضعه به پاره تن با اطلاق روایت مطابقت ندارد، پس بضعه در این روایت به معنای پاره وجود است. در عرفان شیعی، حقیقت محمدیه، تجلی اعظم حق تعالی است که مجلایی بالاتر از او در ساحت حق و خلق نیست. بضعه پیامبر بودن به معنای حامل سرّ نبی در تجلی اعظم اسماء و صفات است.

۸. رضا و غضب فاطمه، رضا و غضب خداست نیشابوری، بی تا: ۱۴۹؛ نعمان مغربی، بی تا: ۳/۲۹؛ اگر انسان، مطهر از هوای نفس و جهل نباشد، رضایت و غضبش معیار حق و باطل نخواهد بود. این روایت هم عصمت حضرت را اثبات می‌نماید و هم از طریق عصمت، مثبت مرجعیت معرفتی حضرت زهرا س اثبات می‌گردد.

۹. فاطمه (س) از منابع مستقیم و غیرمستقیم علم برخوردار بوده است. مؤانست و مقارنت با پیامبر اکرم و دریافت مستقیم وحی و علوم و حیانی از محضر نبی اکرم (ص)، دریافت گزارش وقایع وحی و نزول قرآن از طریق امیرمؤمنان و همچنین حسنین علیهما السلام، به علاوه دریافت مستقیم علوم و معارف از فرشته وحی در کنار دریافت القائنات ربانی‌انطور که کتب حدیثی و روایی بیان می‌کنند از منابع معرفتی حضرت زهرا سلام الله علیها است. کلینی، ۱۳۶۳: ۱/۴۶۰؛ صدوق، ۱۳۸۵: ۱/۱۷۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/۱۳ و ۳۴.

اندیشمندان مسلمان، انواعی از قرآن و همانندی در مراحل مختلف وجودی، بین حضرت زهرا و کتاب علم حق یعنی قرآن کریم، قائل‌اند. همان‌طوری که قرآن نظیر کتاب‌های بشری نیست که محصول فکر بشر باشد، نطفه وجود مبارک فاطمه (س) هم

محصول آن میوه غیب است (میوه بهشت است)؛ از زمین برنخاسته، بلکه ریشه در معراج نبی دارد. از دیگر سو، تاریخ شاهد ارتقای علمی حضرت در دامان وحی و رسالت است. همراه با نزول آیات و سور و معارف قرآن کریم، این بانو ترقی می کرد.

از نشانه‌های همراهی عمیق حضرت با قرآن کریم، استشهادات مکرر به آیات، در فرمایشات ایشان است که این مسأله میزان انس حضرت با قرآن را، نیز نشان می‌دهد. حضرت در خطابه مشهورشان در مسجد مدینه به ۲۰ آیه و در خطابه در جمع زنان مهاجر و انصار به ۱۰ آیه استشهاد نموده‌اند.

۱۰. فاطمه (س) لیلہ قدر است. امام جعفر صادق (ع) در تفسیر سوره مبارکه قدر، منظور از لیلہ القدر را حضرت زهرا (س) دانسته است. لیلہ القدر، ظرف و مجرای نزول علم الهی، قرآن کریم و حقیقت ام‌الکتاب است. فاطمه (س) حقیقت لیلہ القدر است. بنابراین، ظرف و مجرای تنزل حقیقت ام‌الکتاب، علم الهی و قرآن کریم است. چنین وجودی نه تنها مرجع معرفتی جامعه انسانی، بلکه مرجع معرفتی هر چه مادون کتاب الله است، نیز می‌باشد.

۱۱. اعتقاد شیعه بر آن است که حضرت زهرا به دلیل آیه تطهیر، حدیث ثقلین و دیگر نصوص، معصوم است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶/۴۳. جوادی آملی، بی تا: ۶۱. مصباح یزدی، ۱۳۶۷: ۱۹۲/۲). عصمت دلیلی بر پیراستگی و تجرد روح است. بنابراین قواعد فلسفی هر چه روح مجرد تر باشد، بیشتر واجد گوهر مجرد علم است. از سوی دیگر عصمت، شرط مرجعیت است و این امر مرجعیت حضرت صدیقه (س) را اثبات می‌نماید. مرجعیت معرفتی، فرع بر حجیت معرفتی است. تا فرد کسب این عنوان نکند مرجعیت را احراز نمی‌نماید. در منظومه معرفتی شیعه، عصمت علت حجیت است. چرا که حجیت بدون دور بودن فرد از هر گونه سهو و خطا ممکن نیست و اصولاً خطا هر گونه حجیتی را زیر سوال می‌برد.

شیعه علاوه بر اعتقاد به عصمت پیامبر و ائمه معصومین (ع) معتقد به عصمت حضرت زهرا (س) است. از ادله شیعه بر عصمت حضرت زهرا آیه مبارکه تطهیر است. (احزاب/۲۲) (صالح مازندرانی، ۱۴۲۱: ۸۶/۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۵/۲۰۶-۲۰۷؛ قمی، ۱۳۸۷: ۱۹۳/۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۰: ۹۹۲/۲)

۱۲. محبت اهل بیت با محوریت حضرت زهرا (س) اجر رسالت است. (شوری، ۲۳) معرفی مودت اهل بیت به عنوان اجر رسالت دلیلی ندارد، جز ارجاع امت به مخازن علم و معرفت حقیقی و سبب سلامت و هدایت یعنی اهل بیت کرام علیهم السلام.
- بنابراین، حیثیت لازم‌المحبه بودن و لازم‌الرجوع بودن حضرت زهرا که محور اهل-بیت است، مثبت مرجعیت معرفتی ایشان است. جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱/۱۶۲.
۱۳. فاطمه (س) تنها کفو و همتای وصی پیغمبر است و طبق روایت امام صادق علیه السلام اگر علی علیه السلام نبود همتایی برای فاطمه نبود. (صدوق، ۱۳۸۵: ۱/۱۷۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/۹۲-۹۳؛ حلی، ۱۴۲۴: ۲۴۰).
۱۴. در روایت نبوی فاطمه (س) افضل زنان زمینی و بهشتی از اول تا آخر است و حضرت مریم (س) افضل زنان زمان خویش است. روشن است که این افضلیت فارغ از افضلیت علمی نخواهد بود. حلی، ۱۴۲۴. ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶. طبرانی، بیتا. صدوق، ۱۴۱۷.
۱۵. در روایت نبوی، فاطمه (س) علم محض است. مرحوم مجلسی درباره تفسیر حدیث: «فطمها الله بالعلم»، می‌گوید یعنی به سبب کثرت علم از جهل بریده شد و به قدری علم دارد که جهالت هرگز در آن راه ندارد مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/۶۵ و ۱۰۱.

۳. مرجعیت معرفتی حضرت زهرا (س) برای اهل بیت علیهم السلام

جایگاه معرفتی حضرت زهرا را نمی‌توان صرفاً محدود به جایگاه معرفتی ایشان در عموم مسلمین یا عموم شیعیان دید؛ مطالعه روایات و گزارش‌های تاریخی، بیان‌گر جایگاه خاص ایشان در بین اهل بیت است. در روایات متعدد، پنج تن آل عبا که محور آنان حضرت زهرا است، افضل از همه پیامبران، صدیقین، از آدم تا خاتم قلمداد شده است. از طرف دیگر خلقت پیامبر و علی و فاطمه (ع) از نور واحد روایت شده است.

هم درجه بودن ولایت پیامبر و حضرت زهرا از طریق حدیث بضعه، شاهد دیگری بر جایگاه رفیع و تفوق وجودی و در نتیجه معرفتی حضرت زهرا در بین ائمه اطهار است.

بدین ترتیب، جایگاه ویژه حضرت نزد پیامبر، ضلع دیگری از مقام معرفتی حضرت را در بین اهل بیت توصیف می‌نماید. حقیقت ام ابیها بودن، به تفصیل کشاندن مقام جمع‌الجمعی، خیر کثیر بودن برای پیامبر، حقیقت ليله القدر از جمله کدهایی است که می‌توان به

وسیله آن‌ها، به سطح متعالی‌تری از مرجعیت معرفتی حضرت دست یافت که این بار مخاطب این سطح، خود انسان‌های کامل و معصومین و صاحبان مقام ولایت و عصمت و حجیت هستند.

دسته دیگری از روایات، اسراری را در نوع ارتباط وجودی حضرت با امیرمؤمنان مشخص می‌سازد. هم درجه بودن حضرت با پیامبر و علی (ع) کفویت حضرت با ایشان، و تعابیری چون رکنیت حضرت نسبت به امیرمؤمنان و یا بهره مندیهای حضرت امیر از معارف فاطمی از جمله کلیدهای معرفتی برای گشودن مکانت سر به مهر صدیقه طاهره است.

کدهای مفهومی اصطیاد شده از روایات و نصوص و گزارشات تاریخی که دال بر این سطح از مرجعیت معرفتی هستند از قرار زیر است:

۱. حجیت برای اهل بیت: در روایات شیعی اهل بیت علیهم السلام به عنوان حجج الهی بر مردم و حضرت زهرا (س) حجت الهی بر اهل بیت (ع) عنوان شده است. «نحن حجج الله علیکم و أمنا فاطمه حجه الله علینا (العاملی، ۱۴۲۲: ۷/۲۳۷)». این امر حاکی از نوعی مرجعیت معرفتی برای حضرت زهرا نسبت به اهل بیت علیهم السلام است.

۲. دلالت حدیث بضعه بر همتایی با رسالت: حدیث بضعه از جمله احادیث دال بر منقب حضرت، است. طبق این حدیث و طبق معنای بضعه می‌توان به هم درجه بودن ولایت حضرت با ولایت پیامبر پی برد. گرچه اصل، در این نسبت وجود عالی پیامبر است. همتایی با رسالت و امامت، هم درجه بودن در مقام بهشتی پیامبر و علی نیز شاهد دیگری بر برخورداری و همسانی حضرت در مقام علمی پیامبر و امام علی است. طبرانی، بی‌تا: ۵/۲۲۱.

۳. امتثال علی از فاطمه سلام الله علیهما: در روایت نبوی به حضرت امیر نسبت به امتثال از حضرت زهرا سلام الله علیهما امر شده است. این دستور بدون نوعی مرجعیت معرفتی در حضرت صدیقه قابل توجیه نیست. «یا علی انفذ لما امرک به فاطمه» مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲/۴۸۴.

۴. اخبار علمی فاطمه به علیهم السلام: حارثه بن قدامه از سلمان، از عمّار نقل

می‌کند که روزی عمار به سلمان فارسی گفت: آیا چیز عجیبی را از فاطمه علیها السلام برایت نقل کنم؟ سپس اینگونه نقل کرد که روزی امام علی را دیدم که بر فاطمه علیها السلام وارد شد. تا چشم حضرت فاطمه به امام علی علیه السلام افتاد، فریاد زد: علی جان! نزدیک شو تا درباره آن چه که گذشته و آن چه که خواهد شد و آن چه که اتفاق می‌افتد تا روز قیامت، برایت بگویم. عمار گوید: دیدم که امیرمؤمنان علیه السلام آرام آرام به عقب برگشت و من هم به برگشت علی علیه السلام به عقب برگشتم. آن حضرت آمده تا بر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم وارد شد. پیامبر اکرم فرمود: یا ابالحسن! پیش بیا. همین که در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نشست، فرمود: تو مرا خبر می‌دهی یا من تو را خبر دهم؟ عرض کرد: شنیدن از شما بهتر است، ای رسول خدا! حضرت فرمود: گویا پیش فاطمه رفتی و به تو چنین و چنان گفت و همان دم برگشتی. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸/۴۳)

۵. کسب علم امام علی از فاطمه (س): ابونعیم در حدیثی از پیغمبر اکرم نقل می‌کند که روزی رو به یارانش کرد و فرمود: «چه چیزی برای زنان از همه بهتر است؟» یاران ندانستند در جواب چه بگویند. علی (ع) به سوی فاطمه (س) آمد و این مطلب را به اطلاع او رسانید. بانوی اسلام گفت: چرا نگفتی «از همه بهتر برای آنها این است که نه آنها مردان بیگانه را ببینند و نه مردان بیگانه آنها را»... حر عاملی، ۱۴۱۴: ۶۷/۲۰

۶. مقام رکنیت فاطمه برای امام علی: جابر بن عبدالله چنین روایت می‌کند که پیامبر اکرم به علی فرمود: سلام بر تو ای پدر دو ریحانه من. یا علی! محافظت آن دو را به تو سفارش می‌کنم قبل از آن که هر دو رکن تو از بین بروند... جابر بن عبدالله روایت را چنین ادامه می‌دهد. پس از رحلت پیامبر، امیرالمؤمنین فرمود این بود یکی از دو رکن من که رسول خدا می‌فرمود و اینک منهدم گردید و هنگامی که فاطمه چشم از جهان فرو بست علی (ع) فرمود این بود همان رکن دومی که به قول پیامبر امروز از دست دادم. ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۴/۱۶۶؛ صدوق، ۱۳۷۹: ۴۰۳؛ نیشابوری، بی تا: ۱۵۲-۱۵۳

۷. الگوی امام عصر (عج): امام زمان در توقیعی به خط مبارک خود می‌فرماید: «دختر پیامبر خدا برای من الگوی نیکویی است». طوسی، ۱۴۱۱: ۲۸۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۳/

۸. همتایی با رسول و امام: ابوسعید خدری نقل کرده است رسول الله فرمود: من و این دو و تو و این خفته (یعنی: علیعلیه السلام) روز قیامت در یک جا خواهیم بود. الهیسمی، ۱۴۰۸: ۹/ ۱۷۱؛ طبرانی، بی تا: ۲۲/ ۴۰۶؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱۱، ۶۱۵

۹. کفویت با باب العلم: امام صادق می فرماید اگر امیرمؤمنین فاطمه را به تزویج خود در نیآورده بود تا روز قیامت کفوی برای فاطمه نبود. علی علیه السلام باب علم است. کفویت با باب علم مشی مقام معرفتی حضرت است. صدوق، ۱۳۸۵: ۱/ ۱۷۸؛ الاربلی، ۱۴۰۵: ۲/ ۱۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/ ۹۲-۹۳؛ طبری، ۱۴۱۳: ۸۰؛ حلی، ۱۴۲۴: ۲۴۰.

۱۰. تعلیم دهنده، پرورش دهنده، خزان علم: آن حضرت تنها دختر پیامبر اکرم بوده است که فرزندانش امامان معصومی چون حسن و حسین هستند که هر یک معدن و مخزن علوم الهی بودند و در حضور آن بانو تعلیم و تربیت دیده بودند. هم چنین یازده امام معصوم که وارث علم الهی هستند، فرزندان آن حضرت هستند. رحمانی همدانی، ۱۳۷۲: ۱۴۹.

۱۱. مصحف به عنوان منبع علم ائمه: امام رضا وقتی علامت و نشانه های امام معصوم را شمارش کرد فرمود: «مصحف فاطمه در نزد او از نشانه های امامت می باشد». مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵/ ۱۱۷

۱۲. مصحف به عنوان منبع علم ائمه: معارف غیبی به وسیله جبرئیل نازل می شد، فاطمه (س) تلقی می کرد و این ها را حفظ می کرد و برای امیرالمؤمنین املا می فرمود... این مصحف... از منابع علم غیب ائمه ع است که وقتی از یک امام معصومی سؤال می کردند یا گاهی خود آن ها بلا واسطه و قبل از سؤال و مستقیم می فرمودند: در مصحف جده ما چنین آمده است. مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵/ ۱۱۷؛ کلینی، ۱۳۶۳: ۱/ ۲۳۹-۴۰

۱۳. حقیقت ام ایها: در عرف عرفان، عقل کل پدر است و نفس کل، مادر و موجودات از آن دو ظهور یافته اند. فاطمه مادر انوار و فضایل عقلیه رسالت و مظهر نفس کلیه بر وجه اتم است، بنابراین آن جناب، مادر پدری است که خاتمیت با وی است. حسن زاده آملی، ۱۳۷۸: ۶۶۶

۱۴. به تفصیل کشاندن مقام جمع الجمعی: حقیقت محمدیه، اولین تجلی آن وحدت غیبی ذات اقدس الهی است که نور وجود حضرت علی آن را از لاتعینی به تعین علمی

آورده است و حضرت فاطمه به آن تعین، ظهور عینی بخشیده‌اند و به همین جهت زهرا نامیده شدند. استعدادهایی که در اعیان ثابت بوده، توسط نور وجود ایشان تحقق و ظهور پیدا کرده است. در نتیجه عوالم تعین، همه مدیون فاطمه هستند. «ثم فتق نور ابنتی فاطمة فخلق منه السموات و الارض فالسموات و الارض من نور ابنتی فاطمة، فاطمة افضل من السموات و الارض. مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶/۲۵.

نتیجه گیری

مطالعه و تأمل در نصوص ناظر به فضائل ایشان یا فرازهای تاریخی مربوط به آن، نشان‌گر حقیقت عمیقی از مقام علمی حضرت و بالتبع، مرجعیت معرفتی ایشان در سطوح مختلف است. منظور از مرجعیت علمی یا معرفتی، بهره‌رسانی علمی عالم به جامعه و افراد مخاطب است. هر اندازه درجه علمی عالم بالاتر و شدتش بیشتر باشد، مرجعیت معرفتی او نیز به فراخور مخاطبان، دوسطوح و ذودرجات خواهد بود. از نصوص مختلف می‌توان مرجعیت معرفتی حضرت زهرا را اثبات نمود. براساس آنچه گفته شد مرجعیت معرفتی حضرت در سه سطح تعریف می‌شود: ۱. جامعه مسلمین ۲. شیعه ۳. اهل بیت (ع)

محورهایی که مشعر بر مرجعیت حضرت در منابع اهل سنت است ازین قرار است: ۱. محوریت حضرت زهرا(س) در مباحثه به عنوان جریان‌ی معرفتی، ۲. حضرت فاطمه به عنوان وسیله الی الله ۳. صدیقه بودن حضرت ملائک حجیت ۴. محبت حضرت به عنوان اجر رسالت ۵. وجود حضرت به عنوان خیر کثیر برای پیامبر ۶. حضرت زهرا، مصداق آیه تطهیر ۷. حضرت زهرا، پاره وجود پیامبر ۸. حضرت فاطمه، افضل زنان گذشته و آینده ۹. تقدم خلقت نوری حضرت بر خلقت آدم و حوا ۱۰. حضرت فاطمه سیده نساء عالمین ۱۱. حضرت زهرا به عنوان محور اهل کساء ۱۲. حضرت فاطمه، راوی احادیث نبوی ۱۳. خطبه های معرفتی حضرت ۱۴. انس به قرآن و تسلط به علوم و حیاتی .

شیعه علاوه بر محورهای مذکور، عقاید عمیقتری نسبت به مرجعیت معرفتی حضرت دارد که ناشی از دو اصل مهم ولایت و عصمت حضرت است. محورهای ذیل در نصوص شیعی نشانگر ابعاد مرجعیت معرفتی حضرت از منظر شیعه است: ۱. جایگاه حضرت فاطمه

در تکوین و خلقت؛ ۲. اتحاد وجودی حضرت با پیامبر اسلام؛ ۳. کفویت حضرت با امام علی علیه السلام و همتایی با مقام علمی حضرت؛ ۴. افضلیت بر همه زنان در علم؛ ۵. عصمت حضرت به عنوان ثمره علم؛ ۶. مصداق خیر کثیر علمی؛ وحدت با قرآن به عنوان مقام علم پروردگار؛ ۷. حقیقت علمی حضرت؛ دارای مقام ولایت، که آبشخور علم است؛ ۸. مجالس و خطابات؛ ممتحنه بودن به عنوان ثمره علم؛ ۹. حقیقت لیل القدر و اتحاد حضرت با وحی. همچنین کدهایی که دال بر مرجعیت معرفتی حضرت در میان اهل بیت است را می توان به سه دسته تقسیم کرد: ۱. آن دسته که راجع به جایگاه حضرت نزد پیامبر است. ۲. آن دسته که مشعر جایگاه خاص حضرت در ارتباط با امیر مؤمنان است ۳. کدهایی که ناظر مکانت حضرت در میان اهل بیت علیهم السلام است. مجموعه این کدها از این قرار است: ۱. مادر پدر و محور هستی ۲. حقیقت ام ابیها ۳. به تفصیل کشاندن مقام جمع الجمعی، ۴. خیر کثیر برای پیامبر ۵. بضعه الرسول ۶. حقیقت لیل القدر ۷. امتثال امام علی از فاطمه سلام الله علیهما ۸. اخبار علمی فاطمه به علی علیهما السلام ۹. مقام رکنیت فاطمه برای امام علی علیهما السلام ۱۰. الگو بودن برای امام عصر علیه السلام ۱۱. همتایی با رسول و امام ۱۲. استشهاد ائمه به قول حضرت ۱۳. کفویت با باب العلم ۱۴. تعلیم دهنده و پرورش دهنده خزان علم ۱۴. برخورداری حضرت از تمامی منابع علم ائمه علیهم السلام ۱۵. مصحف به عنوان منبع علم ائمه علیهم السلام.

فهرست منابع

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۶). **مناقب آل ابی طالب**. نجف: مطبعه الحیدریه.
۲. ابن حنبل، احمد (بی تا). **مسند احمد**. بیروت: دار صادر.
۳. ابن عساکر، علی بن الحسن (۱۴۱۵). **تاریخ مدینه دمشق**. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۴. ابن کثیر الدمشقی، اسماعیل (۱۴۱۲). **تفسیر ابن کثیر**. بیروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر و التوزیع.
۵. الاربلی، علی بن عیسی (۱۴۰۵). **کشف الغمة**. بیروت: دارالاضواء.
۶. الاندلسی، ابن عطیه (۱۴۱۳). **تفسیر البحر المحیط**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷. آلوسی، محمد (بی تا). **روح المعانی**. تهران: انتشارات جهان.
۸. بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۴). **مدینه العاجز**. قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
۹. ثعالبی المالکی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸). **تفسیر الثعالبی**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. ثعلبی، (۱۴۲۲). **الکشف و البیان**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). **سیره پیامبران در قرآن**. قم: اسراء.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). **توحید در قرآن**. قم: اسراء.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله (بی تا). **پیامون وحی الهی**. تهران: نشر الزهرا.
۱۴. حاکم نیسابوری، ابی عبدالله (بی تا). **المستدرک**. بی جا، بی نا.
۱۵. حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد (۱۴۱۱). **شواهد التنزیل**. تهران: موسسه الطبع و النشر التابعه لوزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی - مجمع احیاء الثقافة.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). **وسائل الشیعه**. قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۱۷. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۷۸). **ممد الهمم در شرح فصوص الحکم**. تهران: سازمان نشر وزارت فرهنگ و ارشاد.
۱۸. حلّی، حسن بن سلیمان (۱۴۲۴). **المحتضر**. بی جا: انتشارات المکتبه الحیدریه.
۱۹. خزاز قمی، علی بن محمد (۱۴۰۱). **کفایة الاثر**. قم: انتشارات بیدار.

۲۰. الدرہ، طہ (۱۹۹۹). **تفسیر القرآن الکریم**. بیروت: منشورات دارالحکمة.
۲۱. رحمانی ہمدانی (۱۳۷۲). **فاطمہ الزہرا و بیجہ قلب المصطفیٰ**. تہران: مرضیہ.
۲۲. سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۱). الثعور الباسمہ، دار الصحابہ التراث بطنطا.
۲۳. السہیلی، عبدالرحمن ابن ابی الحسن (بی تا). **الروض الانف**. مصر: مکتبہ کلیات الأزہریہ.
۲۴. صالح مازندرانی، مولی صالح (۱۴۲۱). **شرح اصول کافی**. بیروت: دار احياء التراث العربی.
۲۵. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۷). **الأمالی**. قم: مرکز الطباعة و النشر فی موسسه البعثہ.
۲۶. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۹). **معانی الاخبار**. قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۲۷. صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵). **علل الشرائع**. النجف: منشورات المکتبۃ الحیدریۃ و مطبعتها.
۲۸. طباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۷). **نہایہ الحکمہ**. قم: موسسه النشر الاسلامی.
۲۹. طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا). **المعجم الكبير**. بیروت: دار احياء التراث العربی.
۳۰. طبری الامامی، محمد بن جریر (۱۴۱۳). **دلائل الامامہ**. قم: مرکز الطباعة و النشر فی موسسه البعثہ.
۳۱. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۵). **جامع البيان**. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). **الأمالی**. قم: دار الثقافة للطباعة و النشر و التوزيع.
۳۳. العاملي الشامي، يوسف بن حاتم (بی تا). **الدر النظیم**. قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۳۴. العاملي، (۱۴۲۲). **الانتصار**. بیروت: دارالسيرة.
۳۵. عسقلانی، احمد بن حجر (بی تا). **لسان المیزان**. بیروت: دارالمعرفه، بی تا، ج ۳، ص ۳۴۵.
۳۶. عظیمی، سیدہ کبری. (۱۳۸۲). استشهد به آیات قرآن در کلام حضرت زهرا. علوم قرآن و حدیث: صحیفہ مبین. ش ۳۱ و ۳۲.
۳۷. غروی نائینی، نهلہ (۱۳۸۴). حضرت زهرا و روایت حدیث در وناج اهل سنت. مباحث بانوان شیعه، ۱۳۸۴. ش ۴. ۲۰۰-۱۸۹.
۳۸. فتاحی زاده، محمد رضا، فتحیه، رسولی راوندی، محمد رضا. ۱۳۹۳. اسناد و شروح خطبه های حضرت زهرا. علوم قرآن و حدیث: سفینه. ش ۴۵.
۳۹. فیض کاشانی، محمد حسین (۱۴۲۰). **التفسیر الأصفی**. بی جا: مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام

الإسلامی.

۴۰. قرطبي، محمد بن احمد (بی تا). **تفسیر القرطبي**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۱. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۸۷). **تفسیر القمی**. نجف: مکتبه الهدی.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). **الکافی**. طهران: دار الکتب الإسلامیه.
۴۳. متقی هندی، علی (۱۴۰۹). **کنز العمال**. بیروت: موسسه الرساله.
۴۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). **بحار الانوار**. بیروت: موسسه الوفاء.
۴۵. مجلسی، محمد تقی (بی تا). **روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه**. بی جا: بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمد حسین کوشانیپور.
۴۶. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۶۷). **آموزش عقاید**. تهران: نشر سازمان تبلیغات.
۴۷. موسوی خمینی (بی تا). **شرح چهل حدیث**. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴۸. موسوی خمینی، روح الله (۱۴۰۹). **التعلیقہ علی الفوائد الرضویہ**. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴۹. نعمان مغربی، ابی حنیفه (بی تا). **شرح الاخبار**. قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۵۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۴۲۲). **الغیبه**. بی جا: انوار الهدی.
۵۱. نیسابوری، محمد بن الفتال (بی تا). **روضه الواعظین**. قم: منشورات الشریف الرضی.
۵۲. الهیثمی، علی بن ابی بکر (۱۴۰۸). **مجمع الزوائد**. بیروت: دار الکتب العلمیه.